

لنین درباره موضوع ستم بر زن

از مجله جهانی برای فتح شماره 24، 1998

متن زیر گزیده ای است از "خاطرات من از لنین، گفتگویی درباره مسئله زن" نوشته کلارا زتکین. این متن بر پایه مکالماتی که در پاییز 1920 بین لنین و کلارا زتکین صورت گرفت، به رشته تحریر درآمد. متن حاضر را از روی نسخه "رهایی زنان - نوشته هایی از لنین" از انتشارات انترناسیونال، بازتکثیر کرده ایم.

□ "بنابراین برای ما کاملاً صحیح است که خواسته های زنان را طرح کنیم. این نه يك برنامه حداقل است، و نه يك برنامه اصلاحی به معنی "سوسیال دمکراتیک" و "انترناسیونال دومی" آن. اینکار دال بر آن نخواهد بود که گویا ما فکر می کنیم بورژوازی و دولت آن تا ابد حتی برای مدتی طولانی پابرجا باقی خواهند ماند. این کوششی برای منفعل کردن توده های زنان با رفرمها، و منحرف کردن آنان از جاده مبارزه انقلابی نیست. به هیچ عنوان چنین نیست؛ اینکار به هیچوجه يك حقه بازی رفرمیستی نیست. خواسته های ما يك رشته نتیجه گیری های عملی است از احتیاجات مبرم و زن ضعیف و محروم در سیستم بورژوازی، و علیه تحقیرهای زشتی که باید در این سیستم تحمل کند. با طرح اینها ما نشان می دهیم که از نیازهای زنان و ستم بر زنان آگاهی؛ از جایگاه ممتاز مردان آگاهی؛ و از همه اینها نفرت داریم. بله، نفرت داریم و خواهان محو هر گونه ستم آزار هستیم که به زن کارگر، همسر کارگر، زن دهقان، همسر يك مرد عادی وارد می شود؛ و حتی از خیلی جهات به زن طبقات ثروتمند نیز وارد می شود. حقوق و اقدامات اجتماعی که ما از جامعه بورژوازی برای زنان می خواهیم گواهی است بر اینکه ما موقعیت و منافع آنها را در نظر می گیریم؛ طبیعتاً نه در نقش رفرمیستهای قیم مآبی که اذهان را تخدیر می کنند. نه! بهیچ وجه. بلکه در نقش انقلابیونی که زنان را به شرکت مساوی در بازسازی اقتصاد و روبنای ایدئولوژیکی فرا می خوانند."

به لنین اطمینان دادم که من هم همین عقیده را دارم ولی بی شك با آن مخالفت می شود. اذهان نامطمئن و ترسو این عقیده را به عنوان اپورتونیزم مشکوک رد می کنند. باید این نکته را هم در نظر بگیریم که خواستهایی که اینک برای زنان جلو می گذاریم ممکن است بد فهمیده شده و نادرست تفسیر شود.

لنین با تعجب و قدری ناراحتی گفت "یعنی چه" این خطر در مورد هر چیزی که می گوییم یا انجام می دهیم وجود دارد. اگر اجازه دهیم که ترس از این مسئله ما را از انجام کارهای صحیح و ضروری باز دارد، بهتر است مناره نشین شویم. ما نباید تزلزل داشته باشیم، به هیچ عنوانی نباید تزلزل داشته باشیم، والا از اصول والای خود خواهیم لغزید. در مورد ما تنها اینکه چه خواهیم مطرح نیست، بلکه همچنین چگونه خواهیم مطرح است. من معتقدم که این را به حد کافی روشن کرده ام. ما نباید در تبلیغات خود از مطالباتی که برای زنان مطرح می کنیم، بت بسازیم. نه! بسته به شرایط، باید زمانی برای این خواستها و زمانی برای خواسته های دیگر مبارزه کنیم. و همیشه، همه اینها باید در اتحاد با منافع عمومی پرولتاریا باشد."

□ "هر نزاعی از این نوع ما را با دار و دسته بورژوازی محترم و با نوکران رفرمیست که به همان اندازه محترم هستند، سرشاخ می کند. این کار دسته اخیر را مجبور می کند که یا تحت رهبری ما بجنگد - که آنها این را نمی خواهند - یا نقاب خود را به دور اندازند. این مبارزه است که ما را از آنان تفکیک می کند و چهره کمونیستی ما را نشان می دهد. بدین ترتیب اعتماد توده زنان را بطرف ما جلب می شود؛ توده ای که خود را استثمار شده، و تحت سلطه مردان می بیند، توده ای که تحت قدرت صاحبکاران و جامعه بورژوایی در کل خود را در هم شکسته و برده می یابد. زنان کارگر که همه به آنها خیانت کرده و ترکشان نموده اند، درک می کنند که باید به طور دسته جمعی همراه ما بجنگند. آیا لازم است آشکارا اعلام کنم یا شما را به اعلام آشکار این موضوع وادارم که مبارزه برای حقوق زنان، باید همچنین با هدف عمده ما مرتبط باشد. یعنی با هدف به دست آوردن قدرت و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا؟ در حال حاضر، این جزء الفبای ماست و کماکان چنین خواهد بود. این روشن است، مطلقاً روشن. ولی توده های وسیع زنان کارگر - اگر که ما فقط روی این خواست تکیه کنیم - با اشتیاق جذب مبارزه برای کسب قدرت دولتی نخواهند شد؛ حتی اگر این خواست را با بوق و کرنا جار بزنیم و گوش فلک را کر کنیم. نه هزار بار نه! ما باید در اذهان توده زنان این خواست را به لحاظ سیاسی با رنجها، نیازها و آمال زنان کارگر بیامیزیم. همه آنها باید بدانند که دیکتاتوری پرولتاریا برای آنان چه معنی خواهد داشت؛ تساوی کامل حقوق با مردان، هم قانوناً و هم در عمل، در خانواده، در دولت و در جامعه، اینها به معنی تضمین نابودی قدرت بورژوازی است."

من گفتم روسیه شوروی این را ثابت می کند. این نمونه بزرگ ما خواهد بود "لنین ادامه داد": روسیه شوروی خواسته های زنان را در سطح نوینی مطرح می کند. تحت دیکتاتوری پرولتاریا این خواسته ها دیگر موضوع مبارزه بین پرولتاریا و بورژوازی نیستند. این مطالبات پس از عملی شدن خستهای خواهند بود که در ساختن جامعه کمونیستی از آن استفاده می شود. این کار به زنان آن سوی مرزهای شوروی اهمیت کسب قدرت توسط پرولتاریا را نشان می دهد. اختلاف موقعیت اجتماعی آنان در اینجا و آنجا را باید با برجستگی جسورانه ای نشان دهیم و حمایت توده های زنان را برای مبارزات طبقاتی انقلابی پرولتاریا جلب کنیم. بسیج توده زنان بر پایه درک روشن از اصول و بر يك پایه

تشکیلاتی محکم، یک مسئله اساسی برای احزاب کمونیست و پیروزی آنان است. بخشهای سراسری دولت (ما هنوز فاقد درک درست از این مسئله هستند. آنها در زمینه ایجاد یک جنبش توده ای از زنان زحمتکش تحت رهبری کمونیستی به برخورد منفعل و صبر و انتظار عادت کرده اند. آنها درک نمی کنند که رشد و رهبری یک چنین جنبش توده ای بخشی مهم از فعالیت حزب است؛ نیمی از کل فعالیتهای حزب است. اینکه آنها گاهی ضرورت و ارزش یک جنبش کمونیستی هدفمند، قوی و وسیع را برسمیت می شناسند، بیشتر جنبه تعارفهای افلاطونی دارد تا یک دلمشغولی و وظیفه حزبی."

□ "آنان تهییج و تبلیغ در میان زنان و وظیفه به میدان کشیدن انقلابی نمودن آنان را به عنوان کاری نه چندان مهم، و به عنوان وظیفه ای فقط برای زنان کمونیست تلقی می کنند. و اگر این کار سریعتر و نیرومندتر پیش نمی رود، فقط زنان کمونیست را مستحق سرزنش می دانند. این غلط است، اساسا غلط! این جدایی طلبی عریان است. این تساوی واژگون شده است. کنه برخورد نادرست بخشهای سراسری ما چیست؟) من درباره روسیه شوروی صحبت نمی کنم (در تحلیل نهایی این دست کم گرفتن زنان و دست آوردهای آنان است. دقیقا همین است! متاسفانه هنوز در توصیف بسیاری از رفقایمان می توان گفت که، کمونیست را خراش بده تا یک عامی ظاهر شود. "برای اطمینان باید نقطه حساس مانند طرز فکر آنان درباره زنان خراش را دهیم. برای اثبات این حرف چه شاهدهی بهتر از این منظره تکراری و روزمره که مردم با خیال راحت مشغول تماشای زنانی هستند که کار مبتذل و یکنواخت خانه، توان و وقت آنان را هدر می دهد، خسته شان می کند، روحشان را پژمرده و ذهنشان را کند می کند، قلبشان را ضعیف و اراده شان را سست می کند. لازم به گفتن نیست که منظور من خانمهای بورژوایی نیست که همه کار منزل و مراقبت از کودکانشان را بدوش خدمتکار می ریزند. بحث من در مورد اکثریت زنان است که شامل همسران کارگران نیز می شود. حتی اگر آنها روز را در کارخانه به سر برده و مزد گرفته باشند."

□ "تعداد بسیار کمی از شوهران، حتی از میان پرولترها هستند که با کمک به همسرشان در این "کار زنانه" به فکر کاستن بار زحمات و نگرانی های او باشند. یا بخواهند وی را کاملا از این زحمت خلاص کنند. خیر، این خلاف "امتیاز و مقام شوهر" است، شوهری که در پی استراحت و راحتی است. زن در زندگی خانگی زن خویش هر روز خود را با هزاران کار ناچیز قربانی می کند. حق باستانی شوهر و سرور و ارباب زن بی سر و صدا پابرجا مانده است. بلحاظ عینی برده نیز از ارباب انتقام می گیرد، این انتقام شکل پوشیده هم دارد. ... من از زندگی کارگران با خیرم، این شناخت فقط از روی کتابها نیست، فعالیت کمونیستی ما در میان توده زنان و کار سیاسی ما بطور کلی تربیت مردان را نیز به میزان قابل توجهی ایجاب می کند. ما باید دیدگاه برده دارانه را، هم از حزب و هم از میان توده ها ریشه کن کنیم. این یکی از وظایف سیاسی ماست، این وظیفه همانقدر عاجل و ضروری است که تشکیل نهادی از رفقای زن و مرد که از نظر تئوریک و عملی به خوبی تربیت شده باشند و کار حزبی را در میان زنان کارگر به پیش برند. لنین به سؤال من درباره شرایط کنونی در روسیه شوروی چنین پاسخ داد: "حکومت دیکتاتوری پرولتری - و مسلما به همراه حزب کمونیست و اتحادیه های کارگری - هر کوششی را بعمل می آورند تا بر دیدگاه های عقب افتاده مردان و زنان فائق آیند و بدین ترتیب روحیات کهنه و غیر کمونیستی را ریشه کن کنند. نیازی به گفتن نیست که مردان و زنان در مقابل قانون مساوی هستند. ما در همه عرصه ها بوضوح شاهد خواست صادقانه به تحقق این برابری هستیم. ما روی زنان برای شرکت در فعالیتهای اقتصادی، مدیریت، قانونگزاری و دولتی حساب می کنیم. همه رشته ها و موسسات آموزشی به روی زنان باز است. تا بتوانند از نظر تخصصی و اجتماعی بهتر تعلیم ببینند. ما در حال ایجاد آشپزخانه ها و نهارخوریها، رخت شوی خانه ها، و بنگاه های تعمیراتی عمومی و مشترک هستیم. ما داریم مهدکودکها، کودکانها، خانه های کودک و موسسات آموزشی گوناگون را تاسیس می کنیم. به یک کلام ما داریم صمیمانه ملزومات برنامه خود را به اجرا می گذاریم تا وظیفه خانه داری و آموزش از عهده خانوار فردی خارج شده و به وظیفه جامعه تبدیل شود. بدین گونه است که زن از زنجیرهای کهنه بردگی خانگی و تمامی وابستگیهایی که به شوهر خویش دارد رها می شود؛ می تواند توانایی ها و تمایلات خود را بطور کامل در جامعه بروز دهد. کودکان نسبت به محیط خانه امکانات بهتری برای رشد می یابند. ما پیشرفته ترین قانون کار مربوط به زنان را در جهان داریم. و این قانون توسط نمایندگان رسمی کارگران متشکل به اجرا در می آید. ما در حال تاسیس مراکز زایمان و خانه های مادر-کودک، مراکز درمانی و بهداشتی مادران، کلاس های آموزشی در مورد نگهداری از نوزادان و کودکان، و امثالهم هستیم. ما برای کمک به زنان محتاج و بیکار به تلاشی دست می زنیم."

□ "کاملا می دانیم که همه اینها با توجه به احتیاجات زنان کارگر، هنوز بسیار کم است، و اینکه هنوز از رهای واقعی آنان بسیار فاصله دارد. با وجود این، نسبت به شرایطی در روسیه تزاری و تحت سرمایه داری وجود داشت، قدم بسیار بزرگی به جلو است. مضافا، در مقایسه با شرایط در نقاطی که سرمایه داری هنوز سلطه بلامنازع دارد، پیشرفت بسیار زیادی است. این یک شروع خوب در جهت صحیح است، و ما بطور مستمر و با تمام توان به توسعه آن ادامه خواهیم داد. به شما هم اطمینان خاطر می دهیم زیرا هرروز که می گذرد روشنتر می شود که بدون حضور میلیونها زن ما امکان پیشرفت نداریم. فکرش را بکنید، این در کشوری که دهقانان هشتاد درصد جمعیت را تشکیل می دهند چه معنی دارد. کشت و زرع دهقانی کوچک، با خود خانه داری فردی و انقیاد زنان را بهمراه می آورد. شما از این جهت

در شرایطی به مراتب بهتر از ما خواهید بود، به شرط اینکه پرولتاریا شما بالاخره درک کند که از نظر تاریخی زمان کسب قدرت برای انقلاب، فرا رسیده است. در ضمن، ما با وجود تمام مشکلات، ناامیدی به خود راه نمی دهیم. با افزایش مشکلات نیروهای ما هم رشد می کنند. همچنین ضرورت عملی، ما را وادار به یافتن راههای تازه آزاد کردن توده زنان می کند. منظورم همبستگی رفیقانه کمونیستی است و نه همبستگی بورژوازی که رفرمیستها موعظه می کنند؛ رفرمیستهایی که شور انقلابی خود را همانند بوی سرکه ارزان از دست داده اند. همبستگی انقلابی باید با ابتکارات فردی همراه باشد؛ تا این ابتکارات به فعالیت جمعی تبدیل شده با آن ترکیب شود. تحت دیکتاتوری پرولتاریا، آزادی زنان از طریق تحقق بخشیدن به کمونیسم، در دهات نیز پیش خواهد رفت. از این جهت من از مکانیزه کردن صنعت و کشاورزی انتظار زیاد دارم. این یک طرح مهم است! مشکلات این راه عظیم است، به طرز خارق العاده ای عظیم. برای غلبه بر مشکلات باید نیروهای قدرتمند نهفته در توده ها آزاد شود؛ آنها باید تعلیم یابند. میلیونها زن باید در این کار شرکت جویند."

در ده دقیقه آخر، یک نفر دوبار زنگ زد ولی لنین به صحبت ادامه داد. بعد در حالیکه برای باز کردن در می رفت فریاد زد: "دارم می آیم!"

سپس با لبخند رو به من کرد و چنین گفت:

□ "می دانید کلارا، می خواهم از این واقعیت که با یک زن صحبت می کردم استفاده کنم و پر حرفی زنانه را به عنوان بهانه دیر کردن ارائه دهم. هر چند اینبار این مرد بود که بیشتر حرف می زد و نه زن. به طور کلی باید گفت که شما شنونده واقعا خوبی هستید؛ شاید این بود که مرا تشویق کرد اینهمه حرف بزنم."

لنین با این شوخی در پوشیدن پالتو به من کمک کرد.

□ "شما باید گرمتر از این لباس بپوشید، مسکو، اشتوتگارت نیست. شما به مراقبت احتیاج دارید. سرما نخورید. خداحافظ."

و دست مرا محکم فشرد. □